



اخلاق زمامداری امیرالمومنین علیه السلام

هادی مجیدی

اشاره

از دیدگاه اسلام کارگزاران خدمتگزار مردم هستند، نه ارباب آنان؛ از این رو چگونگی رفتار و معاشرت آنان با مردم، باید براساس ارزش‌های اخلاقی اسلام باشد. تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد کارگزارانی در ادای مسؤولیت خویش موفق بوده‌اند که از ارزش‌های اخلاقی همانند پارسایی، حق‌محوری، عدل‌گرایی، سخاوت، مشورت و... بهره گرفته‌اند. حضرت علی علیه السلام خطر کارگزاران غافل و ناتوان را مدام گوشزد می‌کردند و از این که حکومت به دست افراد سست‌عنصر بیفتد نگران بودند؛ از همین رو مدام به کارگزاران هشدار می‌دادند و آن‌ها را از کم‌کاری برحذر می‌داشتند.

مقدمه

مقام و مسؤولیت، امانتی در دست کارگزار است که باید به خوبی آن را پاس دارد و ابزار برای گسترش عدل و حق قرار دهد، نه این که وسیله‌ای برای تسلط بر مردم و غارت اموال عمومی قرار گیرد و این، در صورتی ممکن است که کارگزاران حکومت از اخلاق شایسته برخوردار باشند.

حکومت علوی تمام توان خود را برای خدمت به مردم به کارگرفت و کوشید فساد اداری برجای مانده از حکومت‌های گذشته را از بین ببرد. امیرمؤمنان علیه السلام در مدت کم‌تر از پنج سال حکومت، در راه اصلاح رابطه کارگزاران با مردم، گام‌های مثبتی برداشت و بنیان حکومتی مردمی را پی‌ریزی کرد. برکناری کارگزارانی که خود را در تصرف بیت‌المال و تجاوز به حقوق مردم تام‌الاختیار می‌دانستند و گماردن کارگزاران مورد اعتماد و دارای حسن سابقه، گام‌های مثبتی در جهت خشنودکردن مردم بود و زمینه را برای اجرای احکام حیات‌بخش اسلام و احقاق حق و اجرای عدالت فراهم ساخت. امام علی علیه السلام ضوابطی را برای گزینش کارگزاران و اصلاح رفتار آن‌ها مقرر کرد و آنان را به ویژگی‌های شایسته اخلاقی سفارش و به پیراستن‌شان از ناشایستگی‌ها و آفت‌های اخلاقی ترغیب کرد. این‌ها اموری است که در تنظیم درست رابطه کارگزاران با مردم و

رفتار با آن‌ها، تأثیری مثبت و سازنده دارد.

حضرت علی علیه السلام خطر کارگزاران غافل و ناتوان را مدام گوشزد می‌کردند و از این که حکومت مردم، به دست افراد سست‌عنصر و ویرانگر بیفتد نگران بودند. از این رویبسته به کارگزاران هشدار می‌دادند و ایشان را از کم‌کاری برحذر می‌داشتند. طبق این دیدگاه؛ کارگزاران، خدمتگزار مردم هستند، نه ارباب آنان. در نتیجه رفتار و معاشرت آنان با مردم باید براساس عناصر ارزشی اسلام باشد. تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد کارگزارانی در ادای مسؤولیت خویش موفق بوده‌اند که از عناصر مهم اخلاقی همانند پارسایی، حق‌محوری، عدل‌گرایی، سخاوت و... بهره گرفته‌اند.

مبنای اخلاقی امیرالمومنین علیه السلام

مبنای اخلاق از دیدگاه امام علی علیه السلام حق‌مداری و دستوره‌های الهی است. امام به طور کلی تابع فرمان‌های الهی بود و اصول اخلاقی را در زندگی فردی و سیاسی خود، کامل رعایت می‌کرد. اصل اساسی حکومت، آن است که خدا بالاترین ارزش است و تمام ارزش‌های دیگر، در جهت قرب به او معنا می‌یابند. خوبی یعنی قرب به خدا و بدی یعنی دوری از او، وقتی خداوند تنها ارزش و کمال مطلق باشد، حاکم نباید حکومت را برای خود، منبع درآمد یا فضیلت بداند، بلکه آن را ودیعه‌ای الهی می‌داند؛ این اعتقاد





خداست. او در این زمینه ذره‌ای کوتاه نمی‌آید و غایت اخروی افعال خود را هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌دارد. در عرصه سیاسی نیز اخلاق و سیاست امام علی علیه السلام اخلاق و سیاستی آخرت‌گراست و به همین دلیل در گستره اخلاق، هیچ‌گونه مصالحه‌ای را نمی‌پذیرد. در نتیجه هر عملی که به سعادت اخروی انسان بینجامد، پسندیده و هر عملی که به زیان اخروی اش انجامد، ناپسند است. این مسأله در تمام حوزه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی و فردی انسان حاکم است. پس نمی‌توان در سیاست براساس مشی غیراخلاقی عمل کرد؛ زیرا موجب کفر اخروی می‌شود. هدف حضرت علی علیه السلام در سیاست، هدایت مردم و جامعه به سوی عدالت است و این، جز با پای‌بندی حکومت و کارگزارانش به اصول اخلاقی در سیاست، ممکن نیست. در نتیجه بر ضرورت تعهد اخلاقی زمامدار تأکید بیش‌تری دارد. حضرت در این‌باره می‌فرماید: «ای مردم! سوگند به خدا، من شما را به هیچ طاعتی امر نمی‌کنم، مگر این که خودم در آن طاعت از همه شما پیشی می‌گیرم، و شما را از هیچ معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر این که خود پیش از شما از ارتکاب آن گناه خودداری می‌ورزم.»

ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. تقوا

تقوا برای هر مسلمانی لازم است ولی برای کارگزارانی که بخشی از جان و مال و ناموس مسلمانان در کنترل آن‌هاست لازم‌تر است. سفارش به هر دو نوع تقوا (تقوای عمومی و تقوای خاص کارگزاران) در کلمات به جا مانده از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام وجود دارد؛ چنان‌که می‌بینیم خطبه‌های طولانی در نهج البلاغه روایت شده که حضرت در آن اوصاف متقین را بنا به اصرار شخصی به نام هم‌ام بیان داشته‌اند.^۱ و اما در خصوص کارگزاران، آن حضرت تأکید خاصی به رعایت تقوا داشته‌اند به گونه‌ای که اولین توصیه به مالک اشتر در آغاز آن عهدنامه معروف، رعایت تقوای الهی است: در آغاز عهدنامه مالک اشتر می‌خوانیم که او را فرمان می‌دهد به تقوای الهی و گزینش طاعت او و پیروی آن‌چه در کتاب خود فرموده از واجبات و سنت‌هایش که کسی جز با پیروی آن، راه نیکبختی را نپوید و جز با انکار و تبه‌کردن آن، بدبخت نشود؛ زیرا با اختیاراتی که حاکم و قاضی دارد، امکان توجیه کارهای شبهه‌ناک و اموال مشکوک فراوان است و وقتی مالک را از همکاری با کارگزاران و حاکمان فاسد پیشین نهی می‌کند، وی را به همکاری با افراد پارسا و راستگو فرامی‌خواند.

۲. حق‌محوری

یکی از پایه‌های اصلی حکومت علوی، حق‌محوری حضرت بود. امام هیچ‌گاه حاضر نبود بنا بر مصلحت‌سنجی‌های کوتاه‌بینانه دست از حق بردارد و به باطل گراید. آن بزرگوار در رعایت حقوق مردم، نه خود کوتاهی می‌کرد و نه به کارگزاران خویش چنین اجازه‌ای می‌داد. حضرت، همگان به‌ویژه کارگزاران خویش را به رعایت حقوق متقابل دعوت می‌کرد چنان‌که به مالک اشتر می‌فرماید: «باید محبوب‌ترین امور نزد تو، میانه‌ترین آنان در حق باشد.»^۲

حضرت علی علیه السلام حقوق متقابل والی و مردم را از اعظم حقوقی می‌داند که خداوند رعایت آن را واجب گردانیده است تا همگان از آثار سرشار



به تمام برنامه‌های او جهت می‌دهد و همه آن‌ها را صبغه الهی می‌زند. جوهر اندیشه‌های اخلاقی امام علی علیه السلام تفکیک مطلق حق و باطل و اطاعت کامل از حق است. حضرت در این‌باره می‌فرماید: «سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست! من در جاده حق قدم برمی‌دارم. از دید حضرت علی علیه السلام تشخیص حق اهمیت حیاتی دارد؛ ولی پیروی از حق، مهم‌تر است. معنای ضمنی این سخن این است که تشخیص حق به ضرورت به معنای تبعیت از آن در عمل نیست. به همین دلیل در اندیشه امام علی علیه السلام نسبی‌گرایی راه ندارد و تمام مبارزاتش برای نشان دادن تفاوت حق و باطل بود.

امام علی علیه السلام در عرصه سیاست و حکومت نیز اثبات حق و عمل به آن را وظیفه اصلی حاکم می‌داند. از این دیدگاه، تفکیک اخلاق از سیاست، غیرممکن می‌شود و اخلاق جزئی از سیاست می‌گردد و سیاستی که از مدار اخلاق خارج شود، به‌واقع از مدار حق خارج شده است. اخلاق‌مداری در سیاست نتیجه حق‌مداری در اندیشه سیاسی است. حضرت درباره پیروی خویش از حق می‌فرماید: «از آن هنگام که حق را به من نمودند، در آن، دودل نشدم.»^۳

در نظام اخلاقی حضرت علی علیه السلام غایت نهایی «آخرت» است. هدف تمام اندیشه‌ها و افعال امام علیه السلام کسب سعادت اخروی و نزدیکی به

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷

۲ - همان، حکمت ۱۸۱

۳ - همان، خطبه ۱۹۳

۴ - همان، نامه ۵۳



آن بهره‌مند شوند؛ از این رو می‌فرماید: «پس هنگامی که رعیت، حق والی را ادا کند و والی نیز حق رعیت را رعایت نماید، حق بین ایشان عزیز و راه‌های روشن دین برپا می‌گردد. نشانه‌های عدالت، استوار گشته، سنت‌ها جاری می‌شود که نتیجه نهایی این‌ها اصلاح زمان، بقای دولت و یأس دشمنان است.»^۵

۳. امانتداری

تلقی امانتداری از کار و مسؤولیت، اصل اساسی در اخلاق است. اگر انسان، کار و مسؤولیت را امانت بدانند، بی‌گمان حرمت آن را پاس می‌دارد و می‌کوشد که به خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد. امام علی (علیه السلام) از کارگزاران و کارکنان نظام اداری خود می‌خواست که کار و مسؤولیت را امانت بدانند و در مناسبات و روابط خود امانتداری کنند از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) اعمال حکومتی امانت‌هایی است در دست کارگزاران و نه طعمه‌هایی برای رسیدن به چرب و شیرین دنیا، چنان‌که به عامل خود در آذربایجان می‌فرماید: «همانا این فرمانداری تو برایت طعمه‌ای نیست بلکه امانتی بر گردن توست و تو از جانب مافوق خود مأمور به رعایت آن هستی»^۶ از این رو در آموزش‌های امام علی (علیه السلام) امانت و بالاترین امر و امانتداری برترین کار معرفی شده است. بنابراین، از ویژگی‌های ضروری کارگزار، امانتداری است. کارمند باید در انجام دادن وظایفی که بر عهده دارد، بکوشد و از هر گونه کوتاهی و بی‌توجهی بپرهیزد. کارگزار، امانتدار خلیفه مسلمانان است و باید پاسخ‌گوی امام خود باشد. از این جهت در سخنان امام علی (علیه السلام) حکومت به امانت تعبیر شده است. حضرت در گزینش کاتبان بر این نکته تأکید می‌ورزد که نباید انتخاب براساس خوش‌گمانی صرف و ظاهر آراسته آنان باشد؛ زیرا کسانی که ظاهر را در نظر می‌گیرند، در بسیاری از موارد خیرخواه نیستند. از این رو می‌فرمایند آنان را از دو راه می‌توان شناخت: نیکوکاری و امانتداری که نزد مردم به آن شناخته شده‌اند.

۴. عدل‌گرایی

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) «عدالت» عنصر ذاتی و مهم‌ترین رکن سیاست است. اندیشه سیاسی امام، بدون درک مفهوم و اهمیت عدالت از نظر وی قابل درک نیست. در مقام عمل هم امام در اجرای عدالت هیچ‌گونه انعطافی را نمی‌پذیرفت، که این امر مشکلات بسیاری را برای حضرت ایجاد کرد. از دیدگاه امام (علیه السلام) وجه تمایز اصلی «حکومت اسلامی» با دیگر حکومت‌ها، عدالت و دوری از ستم است. چون تمام اصول اخلاقی که انسان‌ها در شرایط عادی بدان پایبندند، در شرایط ظالمانه از میان می‌رود. به همین دلیل حضرت علی (علیه السلام) تمام توان خویش را برای مبارزه با بی‌عدالتی به کار برد تا اصول اخلاقی را در مردم و در میان زمامداران پایدار کند. بنابراین از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رعایت عدل و انصاف در روابط و مناسبات حکومتی و در خدمتگزاری مردم، اصلی است که بدون آن، نظام حکومتی از صورت انسانی خارج می‌شود و هر فساد و تباهی می‌تواند گریبانگیر آن شود. حاکمیت عدالت در نظام حکومتی و پاس‌داشتن داد و حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود و در مقام دوری، حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل شدن، مهم‌ترین قاعده‌ای است که حافظ سلامت و قوت نظام حکومتی و مایه

پیوند دل‌هاست. اگر همین قاعده در نظام حکومتی رعایت شود، رابطه کارگزاران و کارکنان با مردم، سامان می‌یابد و عدل و احسان جلوه‌گر می‌شود. از این رو حضرت به مالک اشتر می‌فرماید: «باید محبوب‌ترین امور در نزد تو آنی باشد که از نظر عدالت فراگیرتر است.» گویا منظور حضرت این است که اگر خواستی بین چند کار عدالت‌گستر، یکی را برگزینی، آن را برگزین که عدالت را برای قشرهای بیش‌تری از مردم فراهم سازد یا آن که عدالت را همزمان در زمینه‌های بیش‌تری فراهم کند؛ در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...^۷

توصیه حضرت به عدالت‌ورزی در امور حکومتی چنان فراگیر است که شایسته است والی، حتی در سلام، تحیت، اشاره و نگاه کردن به رعیت مواسات را رعایت کند: «در نگاه، اشاره و تحیت بین ایشان، به مساوات رفتار کن تا بزرگان و اقویا در ستم‌ورزی تو طمع نکنند و ضعیفان از عدالت‌ورزی‌ات نومید نشوند.»^۸ سرانجام عدالت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) تا آن جاست که حتی درباره قصاص قاتل خویش می‌فرماید: «بنگرید اگر من از این ضربت او مردم، پس او را در مقابل ضربه‌اش، تنها یک ضربت بزنید.»^۹

۵. فروتنی

فروتنی، از ارزش‌های اخلاقی اسلام است و همه افراد به آن سفارش شده‌اند؛ اما فروتنی کارگزاران حکومت، اهمیت و ارزش بیش‌تری دارد. تواضع افراد در برابر صاحبان قدرت و ثروت پسندیده نیست؛ ولی تواضع صاحبان قدرت در برابر مردم بسیار باارزش است. این گونه تواضع که به آن سفارش فراوان شده، موجب تقویت جایگاه کارگزاران نزد خداوند شده و فایده آن، ایجاد الفت و محبوبیت بین آنان و مردم است. از این رو به مالک سفارش می‌کند که برای کار مردم، افرادی از اهل خشیت و تواضع را برگزیند. تأکید حضرت برای تواضع در برابر طبقات پایین جامعه از این روست که از سویی طبع بشر، به‌ویژه اگر حاکم و کارگزار هم باشد، مایل است که در برابر افراد ضعیف و به‌ظاهر فقیر گردن‌کشی کند و تکبر بورزد و از دیگر سو طبقات محروم جامعه به‌طور معمول دچار احساس حقارت هستند و نیاز عاطفی شدید دارند و این که مردم دیگر و به‌ویژه حاکمان و کارگزاران برایشان تواضع کنند تا آن‌ها بتوانند بدون احساس حقارت، مشکلات خود را بیان کرده، داد خویش را بستانند. از این روست که حضرت به مالک توصیه می‌کند که بخشی از وقت خود را برای نیازمندان قرار دهد و خود نیز بار عام دهد تا مردم نیازهای خویش را بیان کنند و در این مجلس عام برای خدا فروتنی کند و نیروهای نظامی و انتظامی را از خود دور سازد تا مردم بدون ترس با وی به‌گفت‌و‌گو پردازند. فروتنی حاکم در برابر مردم زیباست اما در برابر ثروتمندان و قدرتمندان جامعه روا نیست؛ زیرا از دید حضرت، کسی که در برابر ثروتمندی برای ثروتش تواضع کند، یک‌سوم دین خود را از دست می‌دهد.

۶. سخاوت

ویژگی بخشندگی در کارگزار، وی را به سمت کمک به مردم سوق می‌دهد و از بُخل و انباشت دارایی‌ها به بهانه‌های واهی و احتیاط‌های بی‌مورد باز می‌دارد. امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک، بر سخاوت و جوانمردی کارگزارانش تأکید دارد: همواره خود را متصل گردان به کسانی که صاحب قوت و مردانگی و بانسب هستند و از خاندانی پارسا و سابقه‌ای

۷ - همان، نامه ۵۳

۸ - همان، نامه ۴۷

۵ - همان، نامه ۵۳

۶ - همان، نامه ۵



رفتار کارگزاران نباید به گونه‌ای باشد که فقط عده‌ای خاص در اطرافشان گرد آیند و تنها در جنب و حفظ منافع آن‌ها بکوشد؛ بلکه باید با رفتار خود همه مردم را جذب و در جهت منافع عمومی جامعه حرکت کنند؛ زیرا خشنودی جمعی خاص، نارضایتی عمومی را در پی دارد؛ اما رضایت عمومی، ناخشنودی خواص را می‌پوشاند. امام علی (علیه السلام) تفاوت این دو رفتار و منش را به خوبی تبیین فرموده است.

و هلاک نسازد.

امام علی (علیه السلام) زهد را ثمره یقین می‌داند و آن را به کوتاهی آرزو، و شکر هنگام نعمت و پارسایی در مواجهه با حرام تفسیر کرده است. حضرت، زهد را خوی و خصلت پرهیزگاران و سنجیه توبه‌کنندگان می‌شمارد. ایشان مکرر به کارگزاران خویش توصیه می‌کردند که ساده زندگی کنند و از رفاه و تجمل‌گرایی بپرهیزند و به‌ویژه با مال حرام ثروت‌اندوزی نکنند و همیشه خدا را ناظر بر اعمالشان بدانند؛ چنان‌که طی نامه‌ای به شریح‌بن حارث که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده بود، نوشته است: «ای شریح! به‌زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند، و از گواهانت نمی‌پرسد، تا آن که تو را از آن خانه بیرون می‌کند و تنها به قبر می‌سپارد. ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آن‌گاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای...»^۹

۸. مهرورزی

محبت از دید اجتماعی، نیرویی مؤثر است و بهترین اجتماع، آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیم و زمامدار به مردم و نیز محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است. تا محبت نباشد، رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند؛ حتی اگر عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم هنگامی پیرو قانون خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی می‌کشاند. از این‌رو، انجام دادن کارها و خدمتگزاری از روی مهرورزی والاترین هنر در اخلاق است؛ چنان‌که اگر انجام دادن

نیکو برخوردارند و نیز اهل بزرگواری، شجاعت، بخشندگی و جوانمردی‌اند؛ چراکه اینان بزرگواری را در خود فراهم کرده و نیکویی‌ها را گرد آورده‌اند. حضرت در ویژگی‌ها و شرایط قاضی نیز بر علم، حلم، پارسایی و سخاوت وی تأکید می‌کند؛ زیرا انسان بخشنده کم‌تر در معرض آفت رشوه و خلاف قرار می‌گیرد و با سخاوتی که دارد می‌تواند وابستگی مالی را از خود دور سازد.

۷. زهد و ساده‌زیستی

زهد یعنی نداشتن علاقه و وابستگی به دنیا، تأسف نخوردن بر از دست دادن نعمت‌های مادی و دنیایی و شاد نشدن به آن‌چه در آینده به دست می‌آید. زهد به معنای فقر و ناداری نیست؛ بلکه به معنای دل‌نیستن به دنیا است. به کسی زاهد گفته می‌شود که با امکان استفاده از نعمت‌های دنیایی و بهره‌مند شدن از آن، زهد بورزد. زهد کارگزاری که قدرت و بیت‌المال را در اختیار دارد، باارزش و سازنده است. انسان زاهد می‌تواند با زندگی ساده برای دیگران الگو باشد. حضرت علی (علیه السلام) با این که در رأس حکومت بود، زندگی زاهدانه‌ای داشت و هدایایی را که برایش می‌آوردند، به مردم می‌داد و می‌گفت: من از دنیای شما به دو جامه و دو قرص نان بسنده کردم؛ در حالی که می‌توانستم غذای خود را از عسل مصفا و مغز گندم قرار دهم و از پارچه ابریشم استفاده کنم. آن حضرت هیچ‌گاه زهد را به معنای ترک زندگی و گوشه‌نشینی نمی‌دانست و هنگامی که عاصم‌بن زیاد، زن و فرزند خود را رها کرده و به عبادت پرداخته و مدعی شده بود که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) اقتدا می‌کند، حضرت به او فرمود: وای بر تو! من چون تو نیستم؛ چرا که خلوند بر رهبران حق واجب کرده خود را با مردم تهیدست برابر نهند تا تهیدست را اندوه فقرش به هیجان نیاورد



می‌کنند و دورترین مردم نزد آن‌ها باید کسانی باشند که عیوب مردم را می‌جویند.

۱۰. خیرخواهی

از ویژگی‌های شایسته کارگزار، خیرخواهی است. خیرخواهی یعنی آن‌چه را به صلاح مردم، کشور و اسلام است، اجرا کند یا به امام و رهبر بگوید، گرچه برخلاف نظر وی باشد؛ از این‌رو در فرهنگ سیاسی اسلام، از خیرخواهی به «النصیحة لائمة المسلمین» تعبیر می‌شود. حضرت امیر علیه السلام در موارد گوناگون به اهمیت این موضوع پرداخته و بر آن تأکید فرموده است. خیرخواهی گستره وسیعی دارد: خیرخواهی برای خدا، یعنی اجرای دستورهای الهی و برای رسول خدا، یعنی اجرای سنت پیامبر، و خیرخواهی برای حاکم اسلامی، یعنی انجام دادن و بیان آن‌چه به مصلحت است؛ چه با نظر حاکم موافق باشد چه مخالف. در عهدنامه مالک اشتر درباره شرایط و ویژگی‌های لشکریان برگزیده، نخستین نکته را خیرخواهی آن‌ها می‌داند: «برای فرماندهی سپاه خویش کسی را برگزین که از همه نزد تو به خدا، پیامبرش و امام خیرخواه‌تر باشد.»^{۱۰}

۱۱. مشورت‌جویی

در جوامع بشری، مشورت و بهره‌گیری از تجربه‌ها و افکار دیگران یک اصل پذیرفته شده است. از این‌رو است که رهبران و کارگزاران جوامع،

امور با مهرورزی همراه شود، صورتی زیبا و انسانی می‌یابد و موجب پیوند جان‌ها و الفت قلب‌ها می‌شود و در رفتار و مناسبات حکومتی، انقلابی معنوی به وجود می‌آورد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در حکمتی والا فرموده است: «دل‌های آدمیان رمنده است، پس هر که با آن الفت برقرار سازد، روی بدو نهد.»^{۱۱}

۹. توجه به مصلحت عمومی

رفتار کارگزاران نباید به گونه‌ای باشد که فقط عده‌ای خاص در اطرافشان گردآیند و تنها در جذب و حفظ منافع آن‌ها بکوشد؛ بلکه باید با رفتار خود همه مردم را جذب و در جهت منافع عمومی جامعه حرکت کند؛ زیرا خشنودی جمعی خاص، نارضایتی عمومی را در پی دارد؛ اما رضایت عمومی، ناخشنودی خواص را می‌پوشاند. امام علی علیه السلام تفاوت این دو رفتار و منش را به خوبی تبیین فرموده است: «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو آن باشد که به حق نزدیک‌تر و عدل در آن گسترده‌تر است و خشنودی رعیت در آن بیش‌تر تأمین شود؛ زیرا ناخشنودی عامه مردم، خشنودی نزدیکان را بی‌اثر می‌کند و خشم نزدیکان و خاصه، با رضایت مردم، پوشیده می‌شود.»^{۱۱} بنابراین امیرمؤمنان علیه السلام برترین مردم را کسی می‌داند که به مردم بیش‌تر نفع می‌رساند. از دید حضرت، محبوب‌ترین افراد نزد کارگزاران باید کسانی باشند که در جهت منافع مردم کوشش بیش‌تری

۱۰ - همان، حکمت ۵۰

۱۱ - همان، نامه ۵۳



بلکه زبان آور است. از این روست که علی علیه السلام به مالک اشتر دستور می‌دهد که با علما و حکیمان مشورت کرده و از مشورت با برخی از افراد پرهیز کند چنان که فرمود: «با بخیل مشورت نکن؛ زیرا از بخشش و کمک به دیگران بازمی‌دارند و از فقر می‌ترسانند. همچنین با افراد ترسو مشورت نکن؛ زیرا آن‌ها تو را از انجام کارهای مهم بازمی‌دارند و نیز با افراد حریص مشورت نکن که آن‌ها برای جمع‌آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو نیک جلوه می‌دهند.»^{۱۳} امام علیه السلام مالک اشتر را به تبادل نظر در امور اجتماعی با دانشمندان و جلسه‌های مشورتی با آنان سفارش می‌کند: «با دانشمندان، فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان سخن فراوان در میان نه و درباره آن‌چه کار شهره‌ایت را استوار می‌سازد و در برپاداشتن آن‌چه مردم پیش از تو به پا داشته و راست و درستکار مانده‌اند، مذاکره نما.»^{۱۴}

امام علی علیه السلام برای مشاوران شرایطی قائل است و افراد را از مشورت با گروه‌هایی خاص نهی می‌کند؛ از جمله مشورت با کسانی که از موضوع موردنظر آگاهی ندارند و نیز مشورت با دشمن، زیرا از اخبار محدوده حکومت آگاه می‌شود؛ البته مشورت با دشمن عاقل را بر دوست نادان ترجیح می‌دهد.^{۱۵} وی از مشورت با زن‌ها نیز نهی می‌کند؛ چون در آن دوران زنان از مسائل اجتماعی به دور بودند؛ اما مشورت با زنانی که دارای کمال عقل و تجربه باشند، شایسته می‌داند: «از مشورت با زنان برحذر باش؛ جز آن‌که به کمال عقل رسیده و دارای تجربه باشد.»^{۱۶} بنابراین کارگزاران حکومت به سبب قدرت و اختیاراتی که دارند، همیشه در معرض گرفتار شدن به آفت‌های قدرت و سوء استفاده از موقعیت خوبیند. از این رو لازم است کارگزاران حکومت اسلامی متخلق به اخلاق اسلامی بوده، سفارش‌های امیرمؤمنان علیه السلام را در این باره به کار گیرند. ویژگی‌های مذکور مربوط به مقطع زمانی خاص نیستند؛ بلکه در تمام زمان‌ها کاربرد دارند. چه بسا کارگزاری که این عناصر را نادیده گرفته و از حکومت به عنوان ریاست‌طلبی و... استفاده کند که این‌گونه بهره‌گیری از حکومت، خیانت به امانت است و موجب پشیمانی در قیامت. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حکومت در دست کارگزار، امانت است و آن، در روز قیامت، مایه خواری و پشیمانی است مگر این که کسی آن را به حق و از راه مشروع تصاحب کند و به وظیفه خویش عمل نماید.

نتیجه‌گیری

از نگاه حضرت علی علیه السلام کارگزار اسلامی باید دارای خصوصیات ویژه‌ای باشد. آن‌چه در این مقاله بدان پرداخته شد یعنی مواردی چون: مشورت‌جویی، خیرخواهی، توجه به مصلحت عمومی، تقوا، عدل‌گرایی و... تنها بخشی از شاخصه‌های یک کارگزار اسلامی از نگاه حضرت بود که با تتبع بیشتر در سایر بیانات حضرت می‌توان موارد دیگری را نیز به این موارد افزود.

۱۳ - همان

۱۴ - همان

۱۵ - غررالحکم، ۲۴۶۲

۱۶ - بحار الانوار، ۱۰۳/۲۵۳/۵۶

از نگاه حضرت علی علیه السلام کارگزار اسلامی باید دارای خصوصیات ویژه‌ای باشد. آن‌چه در این مقاله بدان پرداخته شد یعنی مواردی چون: مشورت‌جویی، خیرخواهی، توجه به مصلحت عمومی، تقوا، عدل‌گرایی و... تنها بخشی از شاخصه‌های یک کارگزار اسلامی از نگاه حضرت بود که با تتبع بیشتر در سایر بیانات حضرت می‌توان موارد دیگری را نیز به این موارد افزود.

مشاوران متعدد در زمینه‌های مختلف دارند. از دیدگاه اسلام، مشورت، تبادل افکار و بهره‌گیری از تجارب دیگران است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشورت را موجب رشد می‌دانست و خود آن حضرت در زمینه‌های مختلف با اصحاب خود مشورت می‌کرد؛ چنان‌که در جنگ‌های بدر، احد، طائف و صلح حدیبیه و... با اصحاب خود مشورت کرد. از دیدگاه علی علیه السلام نیز مشورت و بهره‌گیری از تجربیات دیگران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که آن حضرت از تجربه به عنوان علم جدید یاد کرده است. با توجه به اهمیت مشورت است که علی علیه السلام یکی از وظایف مالک اشتر را مشورت کردن می‌داند؛ چنان‌که مالک اشتر را به همنشینی و مذاکره با علما و حکیمان اسلامی امر می‌کند.

کارگزاری که استبداد رأی دارند و خود را از انداز دیگران بی‌نیاز می‌دانند، در ایفای مسؤلیت موفق نبوده و در معرض لغزش‌ها و خطرهای جدی قرار می‌گیرند. بی‌گمان، یکی از مسائل مهم مذاکره با فرهیختگان و دانشوران، بهره‌گیری از افکار و تجربیات آنان در زمینه مسائل حکومتی است؛ که بهره‌گیری از افکار صاحبان فکر و اندیشه موجب هدایت و رشد و بی‌نیازی از انداز دیگران موجب هلاکت و خطر جدی خواهد بود. با توجه به بررسی‌های مهمی که پیرامون دیدگاه علی علیه السلام در خصوص لزوم مشورت کارگزاران، صورت گرفت، می‌توان گفت: یکی از ویژگی‌های مهم مدیران حکومتی و کارگزاران، مشورت با دیگران است. نکته قابل ذکر آن است که از دیدگاه علی علیه السلام کارگزاران نباید با هر کسی مشورت کنند؛ زیرا مشورت با برخی افراد در مسایل حکومتی نه تنها مفید نیست،